



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

Lessons Learned from the Central Bank's Position in the Case of Certain Iranian Assets for Application in the Case of Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity

Abdollah Abedini 

Assistant Professor, Institution for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. Email: a.abedini@samt.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025/03/07 Received in revised form: 2025/06/03 Accepted: 2025/06/26 Published online: 2025/12/22 Keywords: <i>Company, Continuing Breach of Obligation, Freedom of Trade, Sovereignty, Temporal Jurisdiction.</i>	Having rendered the judgment of the International Court of Justice in the case of Certain Iranian Assets on 30 March 2023, and finding a violation of obligations arising from the 1955 Treaty of Amity between Iran and the US in the context of the US's unreasonable and discriminatory treatment of the assets of Iranian companies and the violation of freedom of trade between the two countries, hopes have been strengthened for the finding of similar violations in another case between Iran and the US entitled Alleged Violations of the Treaty of Amity. It seems that the legislative and judicial actions of the US, which have effectively eliminated the possibility of conducting any trade between the two countries through the imposition of strict regulations such as Executive Order 13599 from 2012 onwards, will ultimately lead to a similar conclusion in the Alleged Violations case by the Court. It also appears that the framework of Iran's claims in this case, together with the Court's temporal jurisdiction to consider Iran's claims even after the US withdrew from the Treaty of Amity in October 2019, provides the necessary basis for assessing the United States' sanctions measures until the conclusion of the proceedings in this case.
How To Cite	Abedini, Abdollah (2025). Lessons Learned from the Central Bank's Position in the Case of Certain Iranian Assets for Application in the Case of Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity. <i>Comparative Law Review</i>, 16 (2), 1-20. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.391134.634731
DOI	10.22059/jcl.2025.391134.634731
Publisher	The University of Tehran Press. 



درس‌های برگرفته از وضعیت بانک مرکزی در پرونده برخی اموال ایران برای اعمال در قضیه نقض‌های ادعایی معاهده مودت ۱۹۵۵

عبدالله عابدینی ✉

استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: a.abedini@samt.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: آزادی تجارت، استمرار نقض تعهد، شرکت، صلاحیت زمانی، نهاد حاکمیتی.	با صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده برخی دارایی‌های ایران در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ و احراز نقض تعهدات ناشی از معاهده مودت ۱۹۵۵ میان ایران و ایالات متحده در زمینه رفتار غیرمنطقی و تبعیض‌آمیز ایالات متحده با اموال شرکت‌های ایرانی و نقض آزادی تجارت میان دو کشور، امیدها برای احراز نقض‌های مشابهی در پرونده دیگر ایران علیه ایالات متحده تحت عنوان «نقض‌های ادعایی معاهده مودت» قوت گرفت. به نظر می‌رسد اقدامات قانون‌گذاری و قضایی ایالات متحده که به توقیف اموال دولت ایران و شرکت‌های ایرانی در ایالات متحده منجر شد و زمینه انجام هرگونه تجارت میان دو کشور را به واسطه وضع مقررات سخت‌گیرانه مانند فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ در سال ۲۰۱۲ به بعد عملاً منتفی ساخت، در نهایت نتیجه‌گیری مشابهی در پرونده نقض‌های ادعایی از سوی دیوان مطرح شود. گویا چارچوب ادعاهای ایران در این پرونده و صلاحیت زمانی دیوان برای رسیدگی به ادعاهای ایران حتی پس از خروج ایالات متحده از معاهده مودت در اکتبر ۲۰۱۹، بستر لازم را برای ارزیابی اقدامات تحریمی ایالات متحده تا زمان ختم رسیدگی به این قضیه فراهم آورده است.
استناد	عابدینی، عبدالله (۱۴۰۴). درس‌های برگرفته از وضعیت بانک مرکزی در پرونده برخی اموال ایران برای اعمال در قضیه نقض‌های ادعایی معاهده مودت ۱۹۵۵. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۶ (۲)، ۲۰-۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.391134.634731
DOI	10.22059/jcl.2025.391134.634731
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ اعلام کرد بانک مرکزی در مورد خرید اوراق قرضه مورد بحث، واجد وصف شرکت در معنای مورد نظر معاهده مودت نیست و از این جهت خارج از قلمرو صلاحیتی دیوان قرار دارد و ایالات متحده نیز به دلیل نقض مواد ۳، ۴ و ۱۰ معاهده مودت مرتکب تخلف شده است (ICJ Reports, 2023, para. 263). همان‌گونه که گفته شد، طرف ایرانی و امریکایی سعی کردند که رأی دیوان را به‌طور کلی به‌عنوان یک پیروزی تلقی کنند. طرف امریکایی به دلیل رد ادعای اصلی ایران در بخش مربوط به بانک مرکزی و نیز طرف ایرانی به دلیل مهر تأیید دیوان بر نقض‌های ایالات متحده، تصمیم نهایی را پیروزی قلمداد کردند (<https://www.state.gov>).
(<https://www.dolat.ir>) شاید این نکته نیز مطرح شود که به‌واسطه عدم دستیابی ایران به مبالغ مورد ادعای بانک مرکزی (حدود ۲ میلیارد دلار)، ایران در این پرونده طرف خاصی برنسته است. این درحالی است که نباید این‌گونه به قضایای مطرح‌شده نزد دیوان نگریست، چراکه اصولاً در قضایای بین دولتها که وجه حقوق بین‌الملل عمومی و وجه حاکمیتی در آنها پررنگ است، آخرین معیار قابل توجه برای دولتها آورده مالی خواهد بود که دعوای یادشده می‌تواند به‌همراه داشته باشد. زیرا در عرصه بین‌المللی، دولتها ولو با صرف هزینه‌های هنگفت همیشه در پی حفظ اعتبار و آبروی خود هستند تا در یک دعوا به‌عنوان ناقض تعهد بین‌المللی شناخته نشوند (عابدینی، ۱۴۰۳: ۳۰)؛ چراکه تلقی به‌عنوان ناقض تعهد بین‌المللی پیامدهای منفی بر وجهه آنها در مجامع مختلف خواهد داشت.^۱

تاکنون نوشته‌های مختلفی در مورد رأی دیوان در این قضیه منتشر شده است؛ با این حال، موضوع نوشتار حاضر پیش‌تر در هیچ‌کدام از آنها به نحو مبسوط مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است (آذری، ۱۴۰۳: ۲۷۴). در این نوشتار به موضوع درس‌هایی از پرونده برخی اموال ایران جهت اعمال در قضیه بعدی، یعنی نقض‌های ادعایی معاهده مودت می‌پردازیم که هنوز در حال رسیدگی است. به‌طور خاص، تأکید ما در این نوشتار بر بانک مرکزی است؛ زیرا خواسته‌ای که به لحاظ مالی در بانک مرکزی وجود دارد قابل توجه است و اگر بتوان ادعای اوراق قرضه بانک مرکزی را در دعوای نقض‌های ادعایی احیا نمود، استفاده مناسبی از آورده دیوان در پرونده برخی اموال در قضیه نقض‌های ادعایی صورت گرفته است. دیوان در پرونده برخی اموال دست‌کم در ۴ مورد تخلف‌های ایالات متحده را در خصوص بند ۱ ماده ۳، بند ۱ ماده ۴، بند ۲ ماده ۴ و بند ۱ ماده ۱۰ احراز کرده است.

تأکید این نوشتار روی بند ۱ ماده ۱۰ است. مطابق این ماده، میان دولت‌های طرف معاهده، آزادی

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. ضیایی بیگدلی و باقرزاده، ۱۳۹۸: ۳۴-۷.

۲. برای مثال، شماره بهار ۱۴۰۳ مجله حقوقی بین‌المللی به بررسی این رأی اختصاص داده شده است.

تجارت و دریاوردی برقرار خواهد بود. محتوای این ماده کمک می‌کند جدا از مباحث شرکت‌ها و اتباع، به حقوق مربوط به دولت ایران نیز پرداخته شود. بنابراین، پرسش مقاله این خواهد بود که آیا بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد ایرانی می‌تواند در قالب یک شرکت موردنظر در چارچوب معاهده مودت از حمایت‌های این معاهده برخوردار شود؟ پاسخ به این پرسش ما را به پرسش دیگری رهنمون می‌کند: اگر بانک مرکزی خارج از مفهوم شرکت موردنظر در معاهده مودت در نظر گرفته شود، آیا خارج از مفهوم شرکت نیز می‌تواند از معاهده مودت و حمایت‌های آن بهره‌مند گردد یا خیر؟ پس از بررسی این دو پرسش به این نکته می‌پردازیم که آیا اقدامات ایالات متحده پس از اکتبر ۲۰۱۹ (زمان لازم‌الاجرا شدن خروج از معاهده مودت) می‌تواند در قلمرو صلاحیت زمانی دیوان قرار گیرد؟

۲. حمایت از بانک مرکزی به‌عنوان یک شرکت در مفهوم معاهده مودت؟

در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶، ایران دعوایی را علیه ایالات متحده بر اساس «معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» مصوب ۱۵ اوت ۱۹۵۵ مطرح و پس از آن در فوریه ۲۰۱۷ لایحه اصلی خود را ثبت کرد. ایالات متحده نیز در می ۲۰۱۷ ایرادات مقدماتی بر صلاحیت دیوان را طرح نمود. یکی از این ایرادات عبارت بود از اینکه دولت ایران مدعی است بانک مرکزی از مصونیت موردنظر در معاهده مودت برخوردار است. دیوان در بررسی ایراد ایالات متحده اعلام کرد از عنوان، مقدمه، متن و روح کلی معاهده مودت چنان بر نمی‌آید که دولت ایران بتواند ادعای حمایت از اموال دولتی خویش را در قالب قاعده مصونیت دولتی مطرح نماید (ICJ Report, 2019: para. 80).^۱

در مورد ایراد بعدی ایالات متحده مبنی بر اینکه طبق ماده ۲۰ معاهده مودت، این کشور می‌تواند به منافع اساسی امنیتی استناد و از اجرای مفاد ماده‌های ۳، ۴ و ۵ معاهده مودت به نحوی عدول کند، دیوان اعلام می‌دارد که این ایرادات ماهیت مقدماتی ندارند و باید به مرحله ماهوی موکول شوند (ICJ Report, 2019: para. 47). تأکید ایران در این دعوا به‌طور مشخص بر شرکت‌های ایرانی و مسائلی همچون برخورد غیرمنصفانه و تبعیض‌آمیز با این شرکت‌ها، به‌رسمیت نشناختن شخصیت حقوقی این شرکت‌های در خاک ایالات متحده، عدم ارائه بیشترین حمایت و تضمین امنیت نسبت به آنها، مصادره اموال این شرکت‌ها، قصور در اجازه دسترسی به دادگاه‌های ایالات متحده برای این شرکت‌ها با تأکید بر مداخله در آزادی تجارت بین سرزمین دو کشور است. دیوان نیز در نهایت اعلام می‌کند، بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت از سوی ایالات متحده مبنی بر عدم تفکیک شخصیت حقوقی شرکت‌های ایرانی از خود دولت ایران انجام نشده است و اقداماتی که ایالات متحده نسبت به توقیف اموال شرکت‌ها در جهت تأمین آرای صادره از محاکم این کشور از سوی خواهان‌های

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مشهدی‌زاده و نمایشتری، ۱۴۰۳.

امریکایی با ادعای حمایت ایران از اقدامات تروریستی علیه اتباع امریکایی انجام داده است، به‌عنوان اقدامی تبعیض‌آمیز و غیرمنصفانه در جهت نقض بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ تلقی می‌شود. سرانجام دیوان اعلام می‌کند اقدامات قانون‌گذاری و همین‌طور صدور آرای موردنظر ایران در این پرونده از سوی محاکم ایالات متحده به نقض آزادی تجارت بین دو کشور منجر شده است (ICJ Reports, 2023: para. 263).

حال پرسشی که مطرح می‌شود آن است که آیا بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد ایرانی می‌تواند در قالب یک شرکت از حمایت‌های معاهده مودت برخوردار شود یا خیر؟ دیوان اظهار می‌دارد طبق معاهده مودت، شرکت عبارت است از موجودیتی که دارای شخصیت حقوقی مستقل است که طبق قوانین دولت متبوع خویش در آن سرزمین ایجاد شده است. در نتیجه، از حقوق ناشی از این شخصیت حقوقی مستقل نیز بهره‌مند می‌شود. از طرف دیگر، یک شرکت می‌تواند به‌طور کلی یا جزئی متعلق به یک دولت باشد؛ یعنی ممکن است شرکتی دولتی تلقی شود اما در عین حال بتواند اقدام تجاری انجام دهد و به این ترتیب، به‌عنوان یک شرکت در معنای معاهده مودت قلمداد گردد (ICJ Reports, 2023: para. 41).

با این حال، دیوان در ادامه اشاره می‌کند اگر موجودیتی صرفاً فعالیت حاکمیتی انجام دهد، طبیعتاً نمی‌تواند شرکت تلقی شود، زیرا در حال انجام فعالیت‌های حاکمیتی است. بنابراین، چنین موجودیتی نمی‌تواند از حمایت‌های مندرج در مواد ۳، ۴ و ۵ برخوردار شود (ICJ Reports, 2023: paras. 43-44). اما دیوان یک استثنا در این زمینه مطرح می‌کند: ممکن است یک موجودیت حاکمیتی در عین انجام فعالیت ذاتی حاکمیتی، دست به فعالیت‌های تجاری نیز بزند (ICJ Reports, 2023: para. 41). بنابراین هیچ منعی وجود ندارد که یک شرکت دولتی دارای کارکردهای حاکمیتی، در عین حال بتواند فعالیت‌های تجاری داشته باشد. ایرادی که ایالات متحده در مورد بانک مرکزی مطرح می‌کند آن است که آیا اساساً بانک مرکزی در معنای معاهده مودت، یک شرکت تلقی می‌شود یا خیر؟

دیوان در تصمیم صلاحیتی سال ۲۰۱۹ در مورد ایرادات مقدماتی ایالات متحده، اعلام کرده این ایراد دارای چنان ویژگی است که باید در مرحله ماهوی باید به آن پرداخته شود، زیرا دیوان معتقد بود تمام حقایق لازم برای ارزیابی در مورد شرکت بودن یا نبودن بانک مرکزی را در اختیار ندارد؛ از این رو، از طرفین می‌خواهد اسناد و مدارک خود را به صورت حداکثری در مرحله ماهوی در اختیار دیوان قرار دهند (ICJ Reports, 2019: para. 80).

دیوان نیز بعد از ذکر دفاعیات طرفین، معتقد است در تصمیم ۲۰۱۹ ملاحظات درباره مفهوم شرکت بیان شد. از نظر دیوان، شرکت موجودیت حقوقی مستقلی دارد که آن را بر اساس قانون محل ثبت، اخذ کرده و در نتیجه از حمایت‌های مقرر در معاهده مودت برخوردار می‌شود. شرکت می‌تواند دولتی باشد یا خصوصی و شرکت دولتی می‌تواند فعالیت تجاری نیز انجام دهد. دیوان بحث مصونیت را به‌طور کامل از بانک مرکزی جدا نمود زیرا معتقد بود ارتباطی به محتوای معاهده مودت ندارد. از نظر دیوان از آنجا که

مصونیت از حوزه معاهده مودت خارج است، از این رو، وارد رسیدگی به این مسائل نمی‌شود که آیا این‌گونه طرح دعاوی صحیح است یا خیر و چه شرایطی باید داشته باشد. (ICJ Reports, 2023: para. 48).

دیوان در ادامه در پی پاسخ به این پرسش است که آیا در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ فعالیت‌های بانک مرکزی دارای ماهیتی بوده که بتوان آن را به‌عنوان یک شرکت تلقی نمود یا خیر؟ (ICJ Reports, 2023: para. 49)؛ این به آن معناست که ممکن است یک موجودیت دارای ماهیت حاکمیتی باشد که در برهه زمانی خاصی مبادرت به عملی تجاری کرده است. در واقع، تجاری بودن یا نبودن عمل، محل اختلاف طرفین در این دعواست که اگر تجاری باشد، مشمول معاهده مودت و حمایت‌های آن می‌شود و این نتیجه‌گیری در نهایت به نفع ایران است و نتیجه‌ای غیر از این به نفع ایالات متحده خواهد بود.

از منظر دیوان، فعالیت‌های بانک مرکزی در دوره یادشده برای اثبات تجاری بودن کافی نیست؛ زیرا در چارچوب فعالیت اصلی بانک مرکزی انجام شده که از ماهیت و ذات بانک مرکزی غیرقابل تفکیک است. این فعالیت‌ها صرفاً شیوه‌ای از اعمال کارکرد حاکمیتی یک بانک مرکزی است. دیوان معتقد است برخلاف نظر ایران، از تصمیم ۲۰۱۹ چنین بر نمی‌آید که تنها ماهیت اقدام، در تعیین تجاری بودن یک فعالیت مؤثر باشد، بلکه دیوان در آن سال اعتقاد نداشت که لازم نیست تا به هرگونه ارتباط اقدام یادشده با کارکرد حاکمیتی توجه شود. از نظر دیوان، هرگونه اقدامی که بانک مرکزی انجام می‌دهد باید در چارچوب اقدامات حاکمیتی دیده شود که این بانک بر اساس آن تأسیس شده است و ارائه خدمت می‌کند (ICJ Reports, 2023: paras. 49-51). به عبارت دیگر، از نظر دیوان، اصل این است که بانک مرکزی اقدامات حاکمیتی انجام می‌دهد؛ مگر اینکه خلاف آن اثبات شود.

دیوان در بندهای مهم ۵۱ تا ۵۴، به‌خصوص در بند ۵۲ اشعار می‌دارد: ایران نتوانست از عهده اثبات این نکته برآید که فعالیت‌های موردنظرش در این قضیه از نوع فعالیت‌های تجاری هستند؛ چراکه دیوان معتقد است بانک مرکزی یک نهاد حاکمیتی است و هر برداشتی غیر از این نیازمند اثبات است. ایران نیز نتوانست خلاف این مسئله را اثبات کند (ICJ Reports, 2023: paras. 51-54). به عبارت دیگر، هرچند دیوان می‌پذیرد که یک موجودیت حاکمیتی توأمان می‌تواند کار تجاری انجام دهد، ولی ایران از عهده اثبات این مسئله برنیامده است. در نهایت به همین دلیل موضوع بانک مرکزی از قلمرو صلاحیتی دیوان کنار می‌رود. با این حال، این نوع بیان دیوان نیز می‌تواند قابل تفسیر باشد؛ به‌نظر می‌رسد که پاسخ دیوان را به دو شکل می‌توان تفسیر نمود:

نخست اینکه تنها به‌واسطه خرید اوراق قرضه در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ از سوی بانک مرکزی نزد سیتی‌بانک نیویورک، این بانک واجد ویژگی شرکت در چارچوب معاهده مودت نیست؛ یعنی ممکن است بانک مرکزی فعالیت‌های دیگری انجام دهد که ارتباطی به سرزمین ایالات متحده نداشته باشد و تجاری نیز محسوب شود، ولی راجع به خرید اوراق قرضه در این دعوا، دیوان به این نتیجه رسید که این

خرید اوراق قرضه، عملی تجاری نیست. همین برداشت را می‌توان به ۲ قسمت فرعی تقسیم کرد که هریک قابل تعبیر است:

الف) اگر ایران بتواند ویژگی شرکت بودن بانک مرکزی را در قالب خرید اوراق قرضه موردنظر اثبات کند، تنها در این معنا شرکت تلقی می‌شود و می‌تواند از حمایت معاهده مودت برخوردار شود. به نظر می‌رسد مراد دیوان نیز همین تفسیر باشد.

ب) ایران نتوانست در مورد تجاری بودن اوراق قرضه به‌طور کلی موفق عمل کند و از این رو بانک مرکزی از حمایت شرکت در معنای معاهده مودت بهره‌مند نمی‌شود.

دوم آنکه اساساً دیوان اعتقادی به شرکت بودن بانک مرکزی ندارد، چون از نظر دیوان اساساً بانک مرکزی یک نهاد حاکمیتی است و نمی‌تواند شرکت تلقی شود؛ مگر اینکه خلافش در موارد خاصی که خواهان مدعی تجاری بودن آن است، اثبات شود که دیوان معتقد است این اثبات انجام نشده است.

بنابراین، بیان دیوان در مورد شرکت نبودن بانک مرکزی به‌گونه‌ای است که هرکدام از تعبیر بالا را می‌توان از پاسخ منفی دیوان به درخواست ایران درنظر گرفت. به نظر می‌رسد دیوان معتقد است این دولت خواهان است که نتوانسته اثبات کند خرید اوراق قرضه، یک اقدام تجاری است. به عبارت دیگر، اگر خواهان می‌توانست چنین مدعایی را اثبات کند، دیوان به برخورداری بانک مرکزی از حقوق یک شرکت در مفهوم معاهده مودت حکم می‌داد. در واقع، دیوان خود را در مقام تأیید یا ردّ تجاری بودن عمل خرید اوراق قرضه بانک مرکزی قرار داده بود و ارزیابی نهایی بستگی به این داشت که ادله و مدارکی که ایران برای تجاری بودن مطرح می‌کند، تا چه اندازه می‌تواند موجب قانع شدن قضات شود که درنهایت، آن اقدام، تجاری تلقی گردد. سرانجام، قضات دیوان در نصاب ۱۰ به ۵ اعلام می‌کنند که از دلایل ابرازی و استدلال‌های ایران در این مورد خاص قانع نشدند (ICJ Reports, 2023: para. 231(1)). البته، نکته جالب‌توجه آن است که ۵ قاضی موافق استدلال ایران، به کشورهای مسلمان (بنونا، سلام، یوسف و ممتاز) متعلق‌اند یا رویکردی مبتنی بر نگاه موسوم به جهان سومی به حقوق بین‌الملل (رابینسون) دارند^۱.

۳. امکان طرح موضوع بانک مرکزی در پرونده نقض‌های ادعایی

همان‌گونه که دیدیم، دیوان در قضیه برخی اموال تکلیف بانک مرکزی را مشخص نمود. در واقع، می‌توان چنین گفت از نظر دیوان قدر متیقن آن است که خرید اوراق قرضه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، بانک مرکزی را واجد ماهیت شرکت نمی‌کند. بنابراین، مفهوم مخالف این یافته آن است که امکان دارد

^۱. برای مشاهده تفصیل دیدگاه‌های قضات موافق و مخالف در این خصوص، ر.ک. عزیزی، ۱۴۰۳.

بانک مرکزی بعدها، به‌خصوص بعد از سال‌های انعقاد برجام و اجرایی شدنش در ژانویه ۲۰۱۶ تا زمان خروج ایالات متحده از آن در می ۲۰۱۸، اقداماتی انجام داده باشد که در عداد دلایل یا ادعاهای ایران در پرونده نقض‌های ادعایی باشد. چه‌بسا پس از خروج ایالات متحده از برجام و نیز از معاهده مودت در اکتبر ۲۰۱۸ که در اکتبر ۲۰۱۹ لازم‌الاجرا شد، این خروج و آثار آن با آن دسته از اقدامات تجاری بانک مرکزی ارتباط داشته یا به مفهوم وسیع‌تر، آزادی تجارت میان سرزمین دو دولت مرتبط بوده و به‌نوعی بتوان آن اقدام یا اقدامات را داخل در مفهوم بانک مرکزی به‌عنوان یک «شرکت» در نظر گرفت. بنابراین، اینکه گفته شود بحث دیوان در اینکه شرکت نبودن بانک مرکزی واجد ویژگی امر مختومه است، به‌نظر صحیح نیست. اگر ایران بتواند در فاصله دست‌کم سال‌های ۲۰۱۶ تا به امروز مواردی را ذکر کند که بانک مرکزی اقدام تجاری انجام داده است، همچنان می‌تواند در قالب دعوی نقض‌های ادعایی این بحث را مطرح کند.

نکته دوم پاسخ به این پرسش است که آیا بانک مرکزی خارج از مفهوم شرکت می‌تواند از حمایت‌های معاهده مودت بهره‌مند شود؟ در واقع، نخستین چالشی که ممکن است به ذهن متبادر شود آن است که آیا معاهده مودت تنها محدود به شرکت‌هاست؟

در پاسخ باید گفت عنوان کامل معاهده مودت «معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» است. از این رو، دست‌کم عنوان معاهده نشان می‌دهد که موضوع معاهده یادشده منحصر به تجارت نیست. اگر نگاه گذرای به مواد معاهده مودت داشته باشیم، بیشتر مواد معاهده مربوط به شرکت‌ها و اتباع طرفین است؛ با این حال، مسائل مربوط به کشتی‌رانی و کنسولی و همین‌طور، مفهوم محوری و بنیادین آزادی تجارت نیز وجود دارد که ادعای بانک مرکزی می‌تواند از این منظر وارد چارچوب ادعای پرونده نقض‌های ادعایی شود. اگر از این منظر بتوان بانک مرکزی را به‌عنوان یک موجودیت حاکمیتی داخل در حمایت‌های مقرر در معاهده مودت تلقی نمود، طبق ماده ۱۰ می‌توان ادعای مربوط به اوراق قرضه را یک بار دیگر در این دعوا مطرح کرد. به‌نظر می‌رسد که دیوان راه را هنوز نبسته است و امکان طرح بحث و استدلال در این زمینه وجود دارد.

برای اینکه بدانیم حمایت‌های معاهده مودت کدام‌اند، نگاهی گذرا به مواد معاهده خواهیم داشت. در ماده یک به دوستی و صلح پایدار بین دو کشور اشاره شده که به نظر ماده مهمی است. هرچند این ماده به‌خودی خود محتوای اجرایی ندارد، اما طبق یافته دیوان در قضیه سکوها‌های نفتی، هرگاه تردیدی در تفسیر یکی از مواد معاهده مودت پدیدار شود این ماده می‌تواند در مقام تفسیر کمک‌کننده باشد. (ICJ. Reports, 1996: para. 31) در واقع، نیت طرفین معاهده مبتنی بر دوستی و صلح پایدار است؛ حتی اهمیت ماده یک، مورد تأکید قاضی اختصاصی ایران در پرونده برخی اموال نیز بوده است؛ به‌طوری که در نظر جداگانه ایشان به رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ این نقد مطرح شده که چرا دیوان به ماده یک و محتوای

آن توجه خاصی نکرده است (Separate opinion of Judge ad hoc Momtaz, 2023: para. 13). از ماده ۲ به بعد حمایت از اتباع و شرکت‌ها آغاز می‌شود.

- اجازه ورود و اقامت به اتباع طرفین که این اقامت و ورود نباید کمتر از میزانی باشد که طرفین برای دولت‌های ثالث در نظر می‌گیرند (بند ۱ ماده ۲)؛
- اجازه رفت‌وآمد آزادانه به سرزمین یکدیگر برای مسائل علمی، مذهبی و تحصیلی؛ مگر اینکه ملاحظات نظیر بهداشت عمومی یا نظم عمومی مانع شود (بند ۲ و ۳ ماده ۲)؛
- برخورداری از حد اعلای حمایت و امنیت برای اتباع در سرزمین طرفین (بند ۴ ماده ۲)؛
- حق برخورداری شرکت‌ها از شخصیت حقوقی مکتسبه از سوی دولت متبوع آنها در سرزمین طرف دیگر (بند ۱ ماده ۳) که دیوان ایالات متحده را در قضیه برخی اموال، ناقض این بند شناخت؛
- حق دسترسی به دادگاه‌ها برای شرکت‌ها (بند ۲ ماده ۳)؛
- عدم محرومیت اتباع و شرکت‌های طرفین از حل‌وفصل اختلاف با ماهیت مدنی از طریق مجاری غیردولتی مثل داوری (بند ۳ ماده ۳)؛
- برخورداری از رفتار منصفانه و برابر با اتباع و شرکت‌ها و اموال آنها (بند ۱ ماده ۴)؛
- پرهیز از اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیز با اتباع و شرکت‌ها و اموال آنها (بند ۱ ماده ۴)؛
- تضمین اجرای حقوق قانونی ناشی از قراردادهایی که میان اتباع و شرکت‌های طرفین منعقد می‌شود (بند ۱ ماده ۴) که دیوان ایالات متحده را در قضیه برخی اموال ناقض این بند شناخت؛
- بهره‌مندی از حد اعلای حمایت از اموال اتباع و شرکت‌ها که کمتر از الزامات حقوق بین‌الملل نباشد؛ از جمله عدم توقیف یا مصادره برای مقاصد عمومی که صرفاً باید برای مقاصد عمومی باشد و در ازای آن پرداخت سریع و مؤثر و منصفانه انجام شود (بند ۲ ماده ۴)؛
- آزادی عمل شرکت‌های طرفین در سرزمین یکدیگر (بند ۴ ماده ۴)؛
- اجازه خرید و فروش و انتقال اموال و املاک و هرآنچه که مورد نیاز اتباع و شرکت‌ها برای زندگی یا تجارت در خاک یکدیگر است (بند ۱ ماده ۵)؛
- حمایت از اسامی و عناوین و نشانه‌های تجاری و اختراعات و نوآوری‌ها (بند ۲ ماده ۵)؛
- معافیت از پرداخت مالیات و عوارض بیش از آن چیزی که شرکت‌های اتباع ثالث می‌پردازند (بند ۱ ماده ۶)؛
- عدم اعمال محدودیت انتقال پول از سرزمین طرف دیگر به سرزمین طرف دیگر (بند ۱ و ۲ ماده ۷)؛
- اعمال شرط ملت‌های کامله‌الوداد در مورد واردات و صادرات کالا به سرزمین یکدیگر (بند ۱ ماده ۸)؛
- انتشار سریع الزامات و مقررات گمرکی به شکل بی‌طرفانه و معقول (بند ۱ ماده ۹)؛

- اعمال شرط ملت‌های کامله‌الوداد راجع به صادرات و واردات انجام‌شده از سوی شرکت‌ها و اتباع طرفین (بند ۲ ماده ۹)؛
 - عدم اعمال محدودیت بر مبنای تبعیض در مورد دریافت بیمه دریایی جهت واردات و صادرات محصولات طرفین (بند ۲ ماده ۹)؛
 - آزادی دریانوردی و تجارت بین طرفین که نقض این بند نیز از جانب دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ احراز شد (بند ۱ ماده ۱۰)؛
 - بندهای دیگر ماده ۱۰ عبارت‌اند از کشتی‌رانی؛ اینکه طرفین کشتی‌های ثبت‌شده یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند و اجازه کشتی‌رانی به بنادر یا مکان‌هایی را می‌دهند که تحت صلاحیت آنهاست؛
 - ماده ۱۱ در مورد رقابت‌پذیرکردن تجارت در خاک یکدیگر است؛ زمانی که تجارت خاصی یا اقدام تجاری خاصی منحصراً در اختیار یک نهاد دولتی است، آن دولت باید اجازه دهد شرکت‌های خصوصی و دولتی طرف مقابل بتوانند با آن رقابت کنند و اگر شرکت دولتی مدعی تجارت در خاک کشور دیگر است که می‌تواند از حقوق معاهده مودت بهره‌مند شود، نباید در زمان طرح دعوا در دادگاه، مدعی مصونیت شود (بند ۴ ماده ۱۱). ایران در قضیه برخی اموال به این قسمت استناد کرد و بر اساس مفهوم مخالف آن، خواهان بهره‌مندی از مصونیت برای بانک مرکزی بود که در نهایت، دیوان آن را نپذیرفت (ICJ Reports, 2019: para. 65). اهمیت این ماده از آن روست که امکان انجام اقدامات تجاری را برای موجودیت‌های حاکمیتی هم فراهم می‌کند.
 - مواد ۱۲ تا ۱۹ نیز شامل مسائل کنسولی است، مانند خرید اموال و املاک غیرنظامی از سوی دولت‌های دو طرف در سرزمین یکدیگر برای امور حاکمیتی؛
 - سایر مواد معاهده نیز بحث استثنای مربوط به اجرای تعهدات ناشی از معاهده، نحوه لازم‌الاجرا شدن، نحوه خروج از آن و سایر مسائل شکلی معاهده است.
- بنابراین مواد اجرایی شامل مواد ۲ تا ۱۹ است. هرچند ماده ۲۰ نیز به دلیل درج استثناهای معاهده بسیار مهم است. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که دیوان بر چه اساسی بانک مرکزی را مشمول حمایت بند ۱ ماده ۱۰ قرار نداده است؟ آیا ایران به آن استناد نکرده است؟ آیا ایران صرفاً به وجه شرکت بودنش استناد کرده و دیوان نیز بیشتر بر این مسئله تأکید داشته، یا به هر حال، طرفین این موضوع را به دعوای بعدی موکول کرده‌اند یا اینکه اساساً موضوع دعوای بعدی است؟ زیرا در قضیه برخی اموال، موضوع محوری، توقیف اموال شرکت‌های ایرانی است؛ یعنی آن دسته از شرکت‌هایی که بخشی از سهام آنها کلی یا جزئی متعلق به دولت ایران بوده و دولت ایالات متحده آنها را به‌عنوان موجودیت‌های دولتی تلقی کرده و این اجازه را به محاکم خود داده تا برای تأمین

اجرای آرای صادره، اموال این شرکت‌ها را توقیف کنند. بنابراین پرسشی که قصد داریم در این قسمت به آن پاسخ دهیم این است که بانک مرکزی جدا از اینکه می‌تواند از حمایت معاهده به‌عنوان یک شرکت بهره‌مند باشد (غیر از بحث خرید قرضه موردنظر در قضیه برخی اموال)، آیا می‌تواند از حمایت دیگری ذیل ماده ۱۰ معاهده مودت بهره‌مند شود؟

در رأی ۳۰ مارس، در خصوص نقض بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت سخن به‌میان آمده (ICJ Reports, 2023: para. 209) و هدف این قسمت از نوشتار آن است که این توجیه و استدلال ارائه گردد که ادعاهای بانک مرکزی اعم از خرید اوراق قرضه موردنظر ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ که در قضیه برخی اموال رد شد، می‌تواند بر اساس مفهوم آزادی تجارت بین دو کشور یکبار دیگر در پرونده نقض‌های ادعایی مورد استناد قرار گیرد.

دیوان در قضیه برخی اموال اعلام می‌کند دولت ایران مدعی است رفتاری که نسبت به این کشور، شرکت‌ها و مؤسسات مالی ایرانی و اموال آنها شده در تعارض با مفهوم آزادی تجارت در ماده ۱۰ است (ICJ Reports, 2023: para. 210). ماده ۱۰ اشعار می‌دارد، بین سرزمین‌های دو طرف معظم معاهد، آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود. دولت ایران مدعی است با توقیف اموال از طریق قانون‌گذاری، دولت ایالات متحده با تصویب قوانین مصونیت، قانون مربوط به بیمه خطر تروریسم و همین‌طور مقررات دیگری که رئیس‌جمهور ایالات متحده صادر کرده است، مانند دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ در سال ۲۰۱۲، اموال دولت و شرکت‌های ایرانی توقیف شده‌اند. دادگاه‌های این کشور نیز می‌توانند مصونیت آنها را لغو کنند، چراکه ایران به‌عنوان دولت حامی تروریسم فاقد مصونیت است (ICJ Reports, 2023: para. 210).

دیوان در ادامه معتقد است که مفهوم تجارت یک مفهوم عام شمرده می‌شود، اما محدود به قلمرو طرفین معاهده است که دولت ایران نیز به چنین محدودیتی اذعان می‌نماید. با این حال، ایران اعتقاد دارد حداقلی از تجارت بین طرفین در این سال‌ها انجام شده که ازجمله به توقیف اموال بانک مرکزی نیز منجر شده است (ICJ Reports, 2023: para. 210).

از سوی دیگر، ایالات متحده در مقابل ایران استدلال می‌کند که در وهله نخست، مفهوم تجارت که در ماده ۱۰ آمده، فقط تجارت دریایی است؛ زیرا در ماده ۱۰ از آزادی تجارت در کنار دریانوردی سخن به‌میان آمده است. این درحالی است که دیوان در سال ۱۹۹۶ در قضیه سکوه‌های نفتی مفهوم تجارت را در معنای عام مدنظر قرار داده است. اما ایالات متحده از دیوان می‌خواهد از نظر پیشین خود در سال ۱۹۹۶ در مورد عام بودن تجارت عدول نماید یا دست‌کم آن را محدود به تجارت دریایی یا تجارت کالا درنظر بگیرد. به عبارت دیگر، تجارت کالا و فعالیت‌های مربوط به آن، فعالیت‌های فرعی یا حاشیه‌ای مربوط به تجارت کالا است و در این مفهوم، مدنظر ماده ۱۰ نیست. از نظر ایالات متحده باید تجارت

بین دو تا کشور انجام شود و در حال حاضر هیچ تجارت عملی بین ایران و ایالات متحده به صورت مستقیم انجام نمی‌شود. ایراد سوم ایالات متحده مربوط به موانع حقوقی است که ایران مدعی است نسبت به آزادی تجارت انجام شده و از نظر ایالات متحده این مقررات ارتباطی به اجرا یا شناسایی احکام صادره از دادگاه‌های ایالات متحده ندارد (ICJ Reports, 2023: para. 211).

از نظر دیوان دو مفهوم تجارت و دریانوردی مجزا از یکدیگر هستند، زیرا حرف «واو» میان دو واژه در این ماده وجود دارد؛ به این ترتیب، ساحت تجارت امر کاملاً مجزایی از بحث دریانوردی است. بنابراین، دیوان اظهار می‌دارد که تفسیر ایالات متحده در این زمینه صحیح نیست. از نظر دیوان نقطه اصلی اختلاف، گستره مفهوم آزادی تجارت است. دیوان اعلام می‌کند پیش‌تر در قسمت ایرادات صلاحیتی در سال ۱۹۹۶ در قضیه سکوه‌های نفتی اظهار داشته است که تجارت یک مفهوم عام دارد. ضمن اینکه دیوان در دستور موقتی که در قضیه نقض‌های ادعایی صادر کرده، به صورت مشخص اعلام داشته است که محدودیت‌های وارد بر معاملات مالی می‌تواند حقوق مربوط به آزادی تجارت طرفین را تحت تأثیر قرار دهد (ICJ Reports, 2023: para. 211). بنابراین، موضوع شایان توجه این است که محدودیت‌های مالی اعمال‌شده از سوی طرفین نیز می‌تواند مانع آزادی تجارت شود.

نکته بسیار مهم آن است که دیوان برخلاف نظر ایالات متحده اعلام می‌کند عملیات مالی بخش فرعی مرتبط با تجارت هستند؛ بنابراین، عملیات یادشده نیز قسمتی از تجارت تلقی می‌شود. از نظر دیوان، فعالیت‌هایی که در بخش مالی انجام می‌شود می‌تواند شامل تجارت در مورد اموال غیرمحمسوس یا غیرفیزیکی شود (ICJ Reports, 2023: para. 211). هرچند دیوان به مصادیق این اموال اشاره نکرده است، اما این اموال می‌تواند شامل فعالیت‌های فکری یا نوآوری‌ها و اختراعات، حتی برند یک تجارت یا تجارت‌خانه نیز بشود. نکته شایان توجه دیگر اینکه اوراق قرضه‌ای که بانک مرکزی به واسطه صرافی کلیبر استریم^۱ از طریق لوکزامبورگ از سیتی‌بانک نیویورک خریداری کرده است، می‌تواند در دسته اموال غیرملموس طبقه‌بندی شود. این اوراق غیرفیزیکی ممکن است به صورت بانام یا بی‌نام از فردی به فرد دیگر منتقل شود. به نظر می‌رسد دیوان این اماره را مطرح کرده است تا بتوان در پرونده بعدی از آن استفاده نمود. در فراز مهم دیگری از رأی، دیوان بیان داشت در قضیه سکوه‌های نفتی در سال ۲۰۰۳، اعلام شد که در زمان انهدام سکوه‌های نفتی، میان ایران و ایالات متحده هیچ تجارتی وجود نداشت و بنابراین ادعای ایران را رد کرد. دیوان در توضیح رد ادعای ایران اعلام نمود، در وهله نخست، برخی از سکوه‌های منهدم‌شده که ایران مدعی تجارت از طریق صادرات نفت این سکوها به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آمریکا بوده، اساساً عملیاتی نبوده و امکان استخراج نداشته‌اند؛ باقی موارد نیز مشمول تحریم‌های زمان

1. Clearstream

آقای رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده شد که هرگونه واردات از ایران را ممنوع اعلام کرده بود. دیوان استدلال قابل‌توجه دیگری مطرح کرد. از نظر دیوان ادعای ایران در سکوه‌های نفتی بحث اختلال در آزادی تجارت از طریق انهدام سکوه‌های نفتی است. دیوان معتقد است، طبق قراردادهای نفتی این‌گونه است که پس از فروش نفت از سوی ایران به طرف واسطه، از آن پس ایران هیچ مشارکتی در مراحل بعدی فروش نداشته باشد (ICJ Reports, 2023: para. 211)؛ منظور دیوان آن است که ماهیت تراکنش‌های تجاری مربوط به نفت دارای یک ماهیت متوالی است. در واقع، اگر دولتی طی قرارداد، نفت را به دیگری فروخت و خریدار یادشده طی یک یا چند قرارداد بعدی نفت را به ایالات متحده به‌عنوان خریدار نهایی بفروشد، ارتباط ایران با این قراردادها قطع می‌شود. به عبارت دیگر، ایران با فروش نفت به شخص غیرامریکایی ارتباطی به لحاظ قراردادی با ایالات متحده نداشته، نمی‌تواند مدعی شود که بین دو کشور تجارتی وجود داشته است.

در ادامه، دیوان دو ملاک برای وجود ارتباط تجاری بین دو سرزمین معرفی می‌کند: «استمرار منفعت مالی»^۱ و دیگری «استمرار مسئولیت حقوقی»^۲ که از آن تجارت متوجه دولت ایران می‌شود. به نظر دیوان از آنجا که ماهیت قرارداد نفتی به‌گونه‌ای است که توالی لازم را برای منفعت مالی یا مسئولیت حقوقی نیاز دارد، از لحظه‌ای که قرارداد از سوی دولت ایران یا شرکت ملی نفت منعقد می‌شود تا لحظه‌ای که به طرف امریکایی می‌رسد، ایران باید حداقل مشارکت را در آن قرارداد داشته باشد که در عمل این‌گونه منفعت یا مسئولیت برای ایران در قراردادهای فروش نفت وجود نداشته است (ICJ Reports, 2023: para. 211) به‌نظر می‌رسد معرفی این دو معیار مهم می‌تواند در پرونده نقض‌های ادعایی از سوی ایران به‌کار گرفته شود.

نکته مهم بعدی تشریح اجمالی دیوان راجع به نسبت ایران و واسطه‌هایی است که تجارت را میان ایران و ایالات متحده تسهیل می‌نماید. از منظر دیوان ممکن است در یک عمل تجاری یا هر شکل از تجارت، برخی واسطه‌ها وجود داشته باشد و ممکن است مکان فعالیت یا مکان ثبت واسطه‌های مالی یادشده در جایی باشد خارج از کشور ایران یا ایالات متحده (ICJ Reports, 2023: para. 211) در این معنا، دیوان می‌پذیرد که تسهیل‌کنندگان تجاری غیرایرانی و غیرامریکایی در تسهیل تجارت میان این دو کشور ایفای نقش کنند و این به آن معناست که در این حالت استمرار منفعت یا مسئولیت حقوقی برای طرف ایرانی یا امریکایی همچنان وجود دارد.

به‌نظر می‌رسد این آورده دیوان نیز می‌تواند در مورد احیای ادعای بانک مرکزی به‌طور کلی و اوراق قرضه به‌طور خاص کمک نماید؛ به این ترتیب که گفته می‌شود بانک مرکزی از طریق واسطه

1. ongoing financial interest
2. ongoing legal responsibility

کلییراستریم در لوکزامبورگ، منفعتی اقتصادی را در ازای خرید اوراق قرضه در سیتی‌بانک نیویورک به‌دست آورده است. خرید این اوراق نیز برای بانک مرکزی جهت پرداخت مالیات یا طرح هرگونه ادعا نسبت به اوراق قرضه یادشده، مسئولیت حقوقی به‌وجود می‌آورد. از این رو، به‌نظر می‌رسد دیوان در ازای هرگونه عمل تجاری میان سرزمین ایران و ایالات متحده از طریق یک واسطه در خارج از ایران و ایالات متحده چراغ سبزی نشان می‌دهد. در این حالت، ادعای ایران در مورد بانک مرکزی بیشتر در مقام یک نهاد حاکمیتی است تا تجاری.

در پرونده نقض‌های ادعایی لزوماً بحث شرکت مطرح نمی‌شود؛ هرچند تجاری بودن اقدام بانک مرکزی در خرید اوراق قرضه نیز می‌تواند بخشی از ادعاهای ایران در حوزه شرکت‌های تحت حمایت معاهده مودت قلمداد شود. استدلال احتمالی ایران می‌تواند این باشد که بازگشت دوباره تحریم‌های ایالات متحده بعد از خروج از برجام در می ۲۰۱۸ تعهدات دولت ایالات متحده را ذیل معاهده مودت نقض می‌کند. یکی از این تعهدات نقض آزادی تجارت از طریق تحریم بانک مرکزی و بلوکه کردن اموال این نهاد مهم حاکمیتی است. یکی از مصادیق نقض تعهدات ایالات متحده در اثر وضع تحریم علیه نظام بانکی و مالی ایران، به‌خصوص بانک مرکزی، انسداد اموال این بانک است. استدلال دیگر، اثر روانی مقررات ایالات متحده در ایجاد دافعه جهت هرگونه سرمایه‌گذاری و تجارت در سرزمین این کشور از طریق اتباع و شرکت‌های ایرانی است. ممکن است گفته شود شرکت‌های غیردولتی ایرانی می‌توانند به دلیل عدم وابستگی به دولت ایران در ایالات متحده به فعالیت تجاری بپردازند، اما نکته مهم این است که مقررات ایالات متحده، به‌خصوص فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹، به دلیل ممنوعیت هرگونه فعالیت نهادهای مالی و بانکی ایران، راه را برای تبادلات بانکی به‌عنوان زمینه حداقلی لازم جهت انجام تجارت بسته است. به‌ویژه اینکه بانک مرکزی در مقام بانک دولت امکان انجام هیچ‌گونه نظارت پولی یا حمایت مالی از سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی و بانکی ایرانی را در ایالات متحده نخواهد داشت و به این ترتیب، با بستن مسیر مالی و بانکی تجار ایرانی از طریق عدم امکان هرگونه نقل و انتقال بانکی و مالی به ایران، در عمل امکان انجام تجارت برای اتباع و شرکت‌های ایرانی به‌وجود نمی‌آید. در واقع، تحریم کامل نظام بانکی و مالی ایران، سد راه هرگونه انجام تجارت میان سرزمین دو طرف معاهده مودت شده است.^۱

۱. فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ مصوب ۵ فوریه ۲۰۱۲ چنین اشعار می‌دارد: «... در پرتو رویه‌های فریب‌کارانه بانک مرکزی ایران و سایر بانک‌های ایرانی در پنهان نمودن معاملات اشخاص تحریم شده، قصور سیستم ضدپول‌شویی ایران و ضعف این کشور در اجرای آن و همچنین، ریسک مستمر غیرقابل پذیرش ایجادشده نسبت به سیستم مالی بین‌المللی به دلیل فعالیت‌های ایران، به این ترتیب: ۱- الف: تمام اموال و منافع اموال دولت ایران شامل بانک مرکزی که در ایالات متحده هستند، پس از این به ایالات متحده وارد می‌شوند، یا در اختیار یا کنترل هر شخص آمریکایی قرار دارند یا زین پس قرار خواهند گرفت، مسدود شده، امکان انتقال، پرداخت، صادر، مسترد یا هر شکل دیگر معامله راجع به آنها وجود

در ادامه، دیوان معتقد است آنچه به‌عنوان مانع تجارت مطرح می‌شود باید یک مانع عملی باشد که در مرحله اجرا راه را برای هرگونه تجارت سد نماید. زمانی که ایران ادعای خود را علیه ایالات متحده در قضیه برخی اموال مطرح کرد، به گواه مرکز آمار ایالات متحده، تجارتی حداقلی میان ایران و ایالات متحده در صنعت مخابرات و کارتهای اعتباری وجود داشت که در اثر آن شرکت‌های ایرانی برای شرکت‌های آمریکایی اقداماتی انجام دادند (ICJ Reports, 2023: para. 217). این نکته نیز در جای خود محل تأمل جدی است که آیا دیوان صرف نقض یک مقرر را بدون وجود هیچ مصداقی در عالم خارج، به‌عنوان نقض تعهد قلمداد نمی‌کند؟^۱

بر اساس یافته دیوان همین که ایالات متحده قانونی را تصویب و اعلام می‌کند که اموال دولت ایران، اموال بانک مرکزی و اموال تمام نهادهای مالی مرتبط با ایران، باید بلوکه شوند، این تصمیم به‌خودی خود یک مانع عملی است (ICJ Reports, 2023: paras. 221-222). در واقع، ایالات متحده با وضع یک قانون، آزادی تجارت بین دو کشور را محدود و حتی می‌توان گفت پرخطر کرده است. توضیح اینکه هیچ نهاد مالی ایرانی با وجود فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ این تمایل یا حتی جرأت را ندارد تا تراکنش مالی انجام دهد، زیرا به‌محض انجام تراکنش مالی از سوی سیستم مالی ایالات متحده اموالش بلوکه خواهد شد و به این ترتیب، در عمل، آزادی تجارت میان دو کشور نقض شده است.

از نظر دیوان، مانع عملی محدود به فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ نیست و اصلاحاتی که به قانون صلاحیت کشورهای خارجی ایالات متحده وارد و طی آن اعلام شده، اموال بلوکه‌شده کشورهای است که حامی تروریسم هستند و می‌توانند در معرض اجرای محاکم قضایی قرار گیرند. همچنین، اقدامات دادگاه‌های ایالات متحده در صدور تصمیم برای توقیف اموال ایران و اجرای آنها عملاً در قالب همان وصف مانع حقوقی یا عملی می‌گنجد و موجب نقض تعهدات ایالات متحده می‌شود (ICJ Reports, 2023: para. 221).

بنابراین، به همین میزان که دیوان این اقدامات را نقض تلقی کرده است، به‌نظر می‌رسد که دست‌کم در پرونده نقض‌های ادعایی، احراز نقض آزادی تجارت را می‌توان از دیوان انتظار داشت. دلیل این برداشت آن است که پرونده برخی اموال به بحث نقض آزادی تجارت با تمرکز بر شرکت‌ها محدود بود؛

نخواهد داشت. ب: تمام اموال و منافع اموال نهادهای مالی ایرانی شامل بانک مرکزی که در ایالات متحده هستند، پس از این به ایالات متحده وارد می‌شوند، یا در اختیار یا کنترل هر شخص آمریکایی از جمله هر شعبه خارجی قرار دارند یا زین پس قرار خواهند گرفت، مسدود شده، امکان انتقال، پرداخت، صادر، مسترد یا هر شکل دیگر معامله راجع به آنها وجود نخواهد داشت...» نک:

Executive Order 13599—Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions February 5, 2012, at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-201200083/pdf/DCPD-201200083.pdf>

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. شفیعی و زمانی، ۱۴۰۳: ۲۱۲-۲۰۹؛ عابدینی، ۱۴۰۳.

درحالی که در پرونده نقض ادعایی لزوماً بر شرکت‌های ایرانی تمرکز نشده و به‌طور کلی تمام بخش‌های اقتصاد خرد و کلان ایران به‌عنوان هدف تحریم‌های ایالات متحده در نظر گرفته شده که با بازگشت تمام تحریم‌های ایالات متحده در می ۲۰۱۸، آزادی تجارت به اشکال مختلف در معرض نقض قرار گرفته یا نقض شده است (ICJ Reports, 2021: para. 19 (a)). علاوه بر این، از آنجا که فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ با دستور ترامپ احیا شد، اگر در قضیه برخی اموال دیوان اعلام کرده که این فرمان به‌طور کلی مانع تجارت است، چنین به‌نظر می‌رسد که در پرونده بعدی نیز دیوان در احراز ادعای نقض آزادی تجارت بتواند از یافته خود در این قضیه استفاده کند.

دیوان در ادامه در مقام ارزیابی مصادیق نقض‌های ادعایی ایران اعلام کرده که برخی اموال مورد ادعا مربوط به وزارت دفاع و نیروی دریایی ایران است. دسته اول، اموال موردنظر وزارت دفاع ایران نزد شرکتی امریکایی است که نتیجه اجرای رأی دآوری بوده که وزارت دفاع به‌واسطه قراردادهای منعقد شده پیش از انقلاب علیه این شرکت در اختیار داشته است - به دلیل بستن قراردادهایی مربوط به قبل از انقلاب با این شرکت - و به جهت تحریم‌ها امکان بازگرداندن مبالغ ناشی از رأی دآوری وجود ندارد. همچنین، مبالغی پول متعلق به نیروی دریایی در بانکی امریکایی در قالب وثیقه برای اجرای قراردادهای نظامی قبل از انقلاب با شرکت‌های امریکایی است که هنوز این وثیقه آزاد نشده است. ایران در مورد این اموال مدعی است ایالات متحده با برنگرداندن آنها مرتکب نقض معاهده مودت شده است، اما دیوان ادعاهای ایران را در این دو مورد رد می‌کند. از نظر دیوان، ادله‌ای که از سوی ایران مطرح شده است نمی‌تواند ثابت کند این اموال به تجارت موردنظر بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت ارتباط دارد (ICJ Reports, 2023: para. 222). منظور دیوان این است که چون نفس بازگشت مبالغ پیش‌گفته عمل تجاری قلمداد نمی‌شود، از این رو، مشمول بند ۱ ماده ۱۰ نخواهد بود. اما دیوان در ادامه اظهار داشت، سایر مصادیق معرفی‌شده ایران به دلیل ماهیت خود که به‌نوعی بدهی تجاری در نتیجه انجام فعالیتی تجاری هستند، از این رو، تجاری قلمداد می‌شوند (ICJ Reports, 2023: para. 222).

حال ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا اموال موردبحث بانک مرکزی در اینجا اساساً تجاری تلقی می‌شود یا خیر که بتوان در پی احیای ادعای بانک مرکزی در قضیه نقض‌های ادعایی بود؟ در واقع این استدلال ممکن است مطرح شود که چه تفاوتی میان اموال ادعایی بانک مرکزی و اموال وزارت دفاع و نیروی دریایی وجود دارد؟

به‌نظر می‌رسد یکی از تفاوت‌ها این است که در قضیه برخی اموال تمرکز بر اموالی است که به واسطه اجرای آنها از سوی آرای محاکم امریکا توقیف شده‌اند. به عبارت دیگر، موضوع پرونده برخی اموال متفاوت با موضوع اموال تحت تحریم‌های ایالات متحده است که در پرونده نقض‌های ادعایی به آنها پرداخته شده است. در قضیه اخیر لزوماً این ادعا مطرح نیست که این اموال به‌واسطه آرای محاکم امریکا

توقیف و اجرا شده‌اند، بلکه ادعای اصلی این است که صرف توقیف اموال بانک مرکزی - فارغ از اینکه ما آنها را تجاری تلقی کنیم یا نه - نقض بند ۱ ماده ۱۰ تلقی می‌شود؛ چراکه برخلاف اموال موردنظر وزارت دفاع و نیروی دریایی، کارکرد بانک مرکزی تسهیل‌گری برای انجام مبادلات پولی و بانکی در ایران و برای پشتیبانی از بانک‌های ایرانی است و این نکته متفاوت با محکوم‌به رأی داوری یا وثیقه‌ای است که نزد بانک امریکایی وجود دارد. در واقع، بانک مرکزی به‌عنوان بانک اصلی یا بانک دولت اقداماتی انجام می‌دهد که اگر کارکرد این بانک در اثر اقدامات تحریمی دولتی دیگر محدود یا مسدود شود، در عمل سیستم مالی کشور ایران دچار مشکل می‌گردد و تبعات محدودیت فعالیت بانک مرکزی برای سیستم بانکی کشور این است که آزادی تجارت بین دو کشور مخدوش می‌شود؛ در نتیجه، این کارکرد متفاوت با ماهیت ادعایی است که راجع به محکوم‌به داوری و وثیقه قرارداد نظامی مطرح شده است.

۴. شمول ادعاهای ایران بر وقایع پس از اکتبر ۲۰۱۹

پرسش بعدی این خواهد بود که با درنظر گرفتن خروج ایالات متحده از معاهده مودت در اکتبر ۲۰۱۸ که در ۲۰۱۹ لازم‌الاجرا شد، آیا همچنان می‌توان ادعاهای مربوط به بانک مرکزی پس از اکتبر ۲۰۱۹ را نزد دیوان مطرح کرد؟ یا اینکه تمام ادعاهای ایران راجع به نقض معاهده مودت تا تاریخ اکتبر ۲۰۱۹ خواهد بود و هر ادعای دیگری پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خروج ایالات متحده از برجام از سوی ایران در دیوان قابل طرح نیست. در ظاهر امر و مبتنی بر منطق حقوقی، هنگامی که دولتی از معاهده‌ای کناره‌گیری نمود، پس از تاریخ تعیین‌شده در معاهده یا مطابق مفاد ماده‌های ۵۴ و ۶۵ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، از تعهدات ناشی از معاهده ذی‌ربط رها می‌شود. با این حال، در رویه دیوان پرونده‌ای وجود دارد که برخلاف این منطق منجر به احراز صلاحیت دیوان شده است. به‌نظر می‌رسد ایران می‌تواند در پرتو این رویه، از دیوان درخواست کند اقدامات تحریمی ایالات متحده پس از اکتبر ۲۰۱۹ نیز در قلمرو موضوعی رسیدگی دیوان قرار گیرد.^۱ شایان ذکر اینکه بند ۲ ماده ۲۳ معاهده مودت ۱۹۵۵ اشعار می‌دارد هریک از طرفین با ارائه اعلامیه کتبی یک‌ساله به طرف مقابل، می‌تواند به معاهده خاتمه دهد. وزیر خارجه وقت ایالات متحده در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ در سخنانی به‌طور رسمی خروج این کشور از معاهده مودت را اعلام کرد (<https://it.usembassy.gov>).

در پرونده نقض‌های ادعایی حقوق حاکمیتی و مناطق دریایی در دریای کارائیب، نیکاراگوئه دعوایی را در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۳ علیه کلمبیا به دلیل نقض حقوق حاکمیتی و مناطق دریایی که دیوان پیش‌تر در

۱. برای مشاهده رویکردی که اختتام معاهده مودت را نافی حق دولت ایران برای درخواست رسیدگی به اقدامات تحریمی ایالات متحده پس از اکتبر ۲۰۱۹ می‌داند، رک. امینی و عابدی، ۱۳۹۸: ۱۴۴-۱۴۳.

قضیه دیگری در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۲ میان طرفین رأی صادر کرده بود، اقامه نمود. پس از رأی ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲ علیه کلمبیا، این کشور در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲ از منشور بوگوتا به عنوان منبع صلاحیتی دیوان خارج شد. مطابق مفاد منشور، اعلام خروج یک سال بعد، اثر لازم الاجرا پیدا خواهد نمود. نیکاراگوئه نیز یک روز پیش از این تاریخ، در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۳ علیه کلمبیا دعوای خود را مطرح نمود. از نظر کلمبیا، دیوان صلاحیت زمانی رسیدگی به اختلاف را ندارد، زیرا مطابق قاعده تفسیر معاهدات بر اساس اصل حسن نیت، زمانی که دولتی از معاهده‌ای خارج می‌شود، اثر مفید این اقدام آن است که دیگر تمایلی به اجرای تعهدات ناشی از معاهده نخواهد داشت. با این حال، دیوان در برابر ایراد مقدماتی کلمبیا در این دعوا، چنین اعلام نمود که تاریخ شروع صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلاف، زمانی است که پرونده در دیوان ثبت می‌شود. اثر این قاعده شکلی برای دیوان آن است که نبود عنصر صلاحیتی برای دیوان مانند توقف لازم الاجرا شدن معاهده یا حتی استرداد یا انقضای اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان به عنوان منبع اعطاکننده صلاحیت، اثر قهقرایی نخواهد داشت. از نظر دیوان، اختتام متعاقب منشور بوگوتا میان کلمبیا و نیکاراگوئه اثری بر صلاحیت دیوان که در روز اقامه دعوا وجود داشت، نخواهد گذاشت (ICJ Reports, 2016: paras. 33-48).

نکته جالب توجه اینکه کلمبیا در مرحله ماهوی این پرونده مدعی شد، برداشت دیوان در مورد تاریخ ثبت دعوا نشان می‌دهد که تنها اقدامات کلمبیا تا پس از تاریخ ثبت مورد ارزیابی دیوان قرار خواهد گرفت و پس از لازم الاجرا شدن خروج کلمبیا از منشور بوگوتا در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۳، دیوان نباید به ارزیابی اقدامات این کشور پس از این تاریخ بپردازد (ICJ Reports, 2022: para. 41). دیوان با اشاره به رویه قضایی خود در پرونده‌های پیشین چنین اظهار می‌دارد که ارتباط وقایع پس از ثبت دعوا نزد دیوان جهت ارزیابی با موضوع اختلاف از این جهت حائز اهمیت است که اگر وقایع متعاقب طرح دعوا با وقایع مورد شکایت دولت خواهان در زمان طرح دعوا دارای ارتباط باشند و به تغییر ماهیت اختلاف منجر نشده باشند، همچنان از سوی دیوان قابل بررسی قضایی هستند. بر همین اساس، دیوان دو معیار «استمرار» و «ارتباط»^۱ وقایع متعاقب طرح دعوا با وقایع موردنظر در زمان طرح دعوا را معرفی می‌کند که بر این اساس امکان دارد حتی پس از مفقود شدن مبنای صلاحیتی دیوان بعد از طرح دعوا نیز امکان بررسی وقایع متعاقب طرح دعوا در دیوان فراهم باشد (ICJ Reports, 2022: para. 44). از نظر دیوان، وقایع پیش و پس از طرح دعوای نیکاراگوئه علیه کلمبیا دارای ماهیت یکسانی است (مداخله کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی کلمبیا در فعالیت‌های ماهیگیری و تحقیقات علمی دریایی نیکاراگوئه در مناطق دریایی این کشور) و به یک ادعا از سوی نیکاراگوئه علیه کلمبیا منجر شده است. بر همین اساس

1. "continuity" and "connexity"

می‌توان مدعی شد از آنجا که اقدامات منجر به طرح دعوای ایران علیه ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ همان ماهیتی را دارند که پس از اکتبر ۲۰۱۹ از سوی ایالات متحده علیه ایران در قالب اقدامات تحریمی وضع و اجرا شده‌اند، در نتیجه، هر دو معیار ارتباط و استمرار موردنظر دیوان قابل مشاهده است و ادعاهای ایران در این خصوص نیز می‌تواند حتی پس از خروج ایالات متحده از معاهده مودت در اکتبر ۲۰۱۹ تا زمان ختم رسیدگی دیوان قابل طرح و بررسی در دیوان باشد.

۵. نتیجه‌گیری

رای ۳۰ مارس ۲۰۲۳ نشان داد که دیوان در مباحث حقوقی موضوع قدرتمندتر بودن یک طرف دعوا را نسبت به طرف دیگر مدنظر قرار نمی‌دهد. دیوان این نکته را با احراز چهار نقض ارتكابی از سوی ایالات متحده نسبت به معاهده مودت اعلام کرد. معاهده مودت هرچند دوجانبه است، اما به‌نوعی ابزاری برای چندجانبه‌گرایی است و همانند هر معاهده دیگری حقوق و تعهداتی را برای طرفین ایجاد می‌کند. طرفین همان‌طور که با رضایت آن را پذیرفتند، می‌توانند از آن خارج شوند و حتی قادرند آن را نقض کنند. ولی در ازای نقض یا حتی خروج از آن باید تبعات حقوقی ناشی از آن را نیز بپذیرند. همان‌گونه که می‌بینیم پیامدهای وضع و اجرای تحریم یک‌جانبه علیه ایران از سوی ایالات متحده - دست‌کم در بخش شرکت‌ها - با تعهدات ایالات متحده در معاهده مودت تعارض پیدا کرده است و این امر نشان می‌دهد دیدگاه مطلق‌النعان بودن دولت قدرتمند برای اتخاذ هر اقدامی از جمله وضع و اجرای تحریم صحیح نیست. واقع، اگر دولتی به‌واسطه معاهده، قاعده عرفی یا حتی اصول کلی خود را مقید نموده باشد، اتخاذ اقدامات یک‌جانبه‌ای مانند تحریم ممکن است با یکی از تعهدات معاهده‌ای، عرفی یا اصول کلی در تعارض باشد. از آنجا که دیوان راجع به شرکت‌های ایرانی نقض تعهدات مهمی همچون اقدامات غیرمنطقی و تبعیض‌آمیز را احراز کرده است، به‌نظر می‌رسد در قضیه نقض‌های ادعایی، به طریق اولی این نقض‌ها راجع به تحریم‌ها که گستره و شدت بیشتری دارند و لزوماً فقط شرکت‌ها و نهادهای دولتی ایران مانند بانک مرکزی را دربر می‌گیرند، نیست، بلکه شامل شرکت‌های غیردولتی ایران نیز می‌شود. برای مثال، تصور کنید یک شرکت خصوصی دارویی در قضیه نقض‌های ادعایی نتواند اقلام ضروری دارویی و بهداشتی موردنیاز را وارد کند، در این صورت، توجیه ایالات متحده در ازای عدم ارائه خدمات دارویی یا تراکنش‌های مالی مرتبط با اقلام دارویی یا تجهیزات پزشکی با یک شرکت دارویی امریکایی، دشوار خواهد بود. قلمرو ادعاهای ایران نیز از نظر زمانی می‌تواند به اقدامات تحریمی ناقض تعهدات ایالات متحده ذیل معاهده مودت تا زمان ختم رسیدگی دیوان گسترش پیدا کند.

References

1. Abedini, Abdollah (2024). Breach of the Obligation Arising from the Adoption of Inconsistent Domestic Law: Analysis of the Judgment of the International Court of Justice in the Case of Certain Iranian Assets. *International Law Review*, 73 (1), 11-30. 10.22066/cilamag.2024.2021675.2504 (In Persian).
2. Amini, Azam & Abedi, Mohammad (2019). Legal Effects of the U.S Withdrawal from Treaty of Amity and its impact on Proceedings in ICJ. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 36 (3), 133-156. 20.1001.1.24234621.1398.9.36.6.5 (In Persian).
3. Azari, Hadi (2024). The Potential Impact of the ICJ's Judgment of Certain Iranian Assets Case on the Impending Judgment in the Case Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity: A Legal Analysis. *International Law Review*, 73 (1), 257-277. 10.22066/cilamag.2024.2024779.2527 (In Persian).
4. Azizi, Sattar (2024). The Individual Opinions of the ICJ Judges in the Certain Iranian Assets Case: Exclusion of Bank Markazi from the Scope of the Treaty of Amity. *International Law Review*, 73 (1), 157-180. 0.22066/cilamag.2024.2021502.2503 (In Persian).
5. Shafiei, Zohreh & Zamani, S. Ghasem (2024). The International Responsibility of the United States of America for the Violations of the Treaty of Amity in the Framework of the Judgment of March 30, 2023, of the International Court of Justice. *International Law Review*, 73 (1), 205-228. 10.22066/cilamag.2024.2022816.2515 (In Persian).
6. Ziaei Bigdeli, Mohammad Bagherzadeh, Reza & Hassan (2019). Theories of States' Compliance with International Law: A Question of Persuasion. *International Law Review*, 60 (1), 7-34. 10.22066/cilamag.2019.35076 (In Persian).
7. Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia), Judgment on Preliminary objections of 17 March 2016, ICJ Reports 2016.
8. Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia), Judgment of 21 April 2022, ICJ Reports 2022.
9. Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment on Preliminary objections of 3 February 2021.
10. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), ICJ Reports 2023.
11. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 13 February 2019, ICJ Report 2019.
12. Executive Order 13599—Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions February 5, 2012, at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-201200083/pdf/DCPD-201200083.pdf>
13. <https://it.usembassy.gov/secretary-pompeos-remarks-to-the-media/>
14. <https://www.state.gov/judgment-in-certain-iranian-assets-case/#:~:text=Today%20the%20International%20Court%20of,of%20Iran's%20State%20Dponsored%20terrorism>
15. <https://www.dolat.ir/detail/409690>
16. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 12 December 1996, ICJ Reports 1996.
17. Separate opinion of Judge ad hoc Momtaz, Certain Iranian Assets, Judgment of 30 March 2023.